

در سلام های ایام هفته به حضرات معصوم - علیهم السلام - هم فقراتی هست؛ مثل: «و نا ضیفک فیه و جارك فاضفی یا مولای و أجرنی فانک کریم تحب الضیافة و مأمور بالاجارة»؛ «و انا فیه من جوارکما فأجیرانی ...»؛ لکن - حتی با پذیرش اعتبار این دعاها و سلام ها^۱ - باری فقهی و حقوقی نمی توان بر آن ها مترتب کرد؛ به گونه ای که مخصص و مقید عمومات و اطلاقات نفی مصونیت کیفری باشد.

ضمناً استجاره عنوان قصدی است و بدون قصد، این عنوان محقق نمی شود؛ در نتیجه مصونیت نیز نمی آید.

البته هر گاه به مناطی معتبر مثل «لزوم حرمت حرم» برسیم، - که البته انگاره ای غیر قابل استناد برای ترتیب حکم فقهی است - میتوان مصونیت را حتی در فرض عدم قصد هم جاری دانست؛ چنان که نسبت به کعبه، شاید بتوان به عموم «من دخله کان آمنا» تمسک کرد، به شرطی که آن چه در ذیل آیه از معصوم - علیه السلام - نقل شده، یک تفسیر از آیه فرض شود نه تنها تفسیر با قیدی که روایات ذیل دارد.

نکته دیگر این که هر گاه مجرم، ساکن حرم باشد و جنایتی در خارج حرم انجام دهد؛ می تواند به محل سکونت خود پناهنده شود تا مصونیت پیدا کند؛ البته در محل سکونتش مورد اعمال تحریم قرار می گیرد.

۷. موارد دیگر / مصونیت سوت زن ها

با وجود استقرایی که صورت گرفت، تعیینات دیگری وجود دارد که گفتگو از مصونیت قضایی یا کیفری در آن موارد فاقد مجال نیست. این موارد یا به یکی از مصادیق گذشته بر می گردد یا تعین مستقلی است که در مورد آن ها، نظیر گذشته، طی مسیر می شود. مثلاً مصونیت «سوت زن»^۲ - که فساد را در بخش دولتی، عمومی یا خصوصی افشا می کند - از جمله مواردی است که مجال گفتگو دارد. در این پیوند سامانه سوت زنی (سامانه گزارش فساد در بخش دولتی، عمومی و یا خصوصی) زیر نظر قوه قضائیه فعالیت می کند.

طبیعی است که با اتجاه مسئولیت رصد فعالیت ها و فسادها به سوت زن ها، این افراد در حکم کارگزاران نظام اند که به شرط فعالیت در چارچوب قانون از مصونیت قضایی و کیفری برخوردارند. لکن هر گاه فعالیت این گروه، خودجوش باشد نسبت به مصونیت ایشان، باید تامل بیشتری کرد. تاملی که به گمان ما حاصل آن نه نفی مطلق است و نه اثبات بدون قید.

^۱ قابل پذیرش نیست.

2. whistle-blower

واضح است که منابعی چون: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة»؛ ادله نهی از منکر و دفع آن، نمی تواند تفاوتی در آن چه بیان گردید، ایجاد نماید. البته به "مصلحت" به عنوان دلیل تعیین کننده در مساله نیز باید نظر داشت. پیمایش سوت زنانه کار بغایت دشواری است و پویندگان آن مسیری را ادق من الشعر، احد من السیف و اظلم من اللیل طی می کنند.

۱۶۳. استناد قضایی به معاهدات بین المللی در نظام قضایی اسلام

بیان موضوع

از مسائلی که نه تنها در نظام قضایی ایران - بلکه در بسیاری نظام ها - مطرح است استناد قضات به موادی از معاهدات و کنوانسیون هایی است که کشور متبوع به آنها پیوسته است. مثلا با پیوستن ایران به کنوانسیون برن (که البته ج. ا. ایران به آن نپیوسته است) یا کنوانسیون مریدا (که به آن پیوسته است) قاضی بتواند به این معاهدات الزام آور یا مرخص استناد کند؟ مطلعین امر خبر از استناد برخی قضات ایران در اینباره دارند.

برخی کشورها با عنوان «برتری حقوقی بین الملل» از آن دفاع می کنند.

ماده ۹ ق. م. ج. ا. ایران هم مقرر میدارد:

«مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است».

بر طبق این ماده آن مقررات نیازمند قانون شدن در کشور متبوع را ندارد. به نظر می رسد نباید شبیه عدم نظارت قانون گذار در این ماده را بر شهروندان داخلی پذیرفت و از اطلاق ماده مزبور خارج شد.

تحقیق در مساله

واضح است که بر اساس نگاه سنتی و دارج در نظام قضایی اسلام، - که غیر متمرکز و چرخنده بر محور اجتهاد قاضی است - جای طرح این مساله نیست! آن چه زمینه ساز این گفتگو است، پذیرش حاکمیت سیستم قضایی متمرکز و قانون محور است. طبیعی است که داده نگاه طبیعی این باشد که باید حدود داخلی کشور و حدود اجازه قاضی رسیدگی کننده از طرف والی را بررسی کرد؛ به گونه ای که با نبود رخصت از هر کدام از این دو طریق، مجال برای استناد مزبور نیست؛ لکن با اجازه قانون و رخصت در حدود نصب قاضی، میتوان استناد مزبور را پذیرفت. البته نباید مفاد ماده مورد استناد از آن معاهده و کنوانسیون خارج از حدود شریعت باشد؛ در این صورت حاکمیت حق پذیرش ندارد مگر با حق تحفظ و عدم اعمال آن ماده. چنانکه قاضی هم نمیتواند استناد کند. مساله مجال گفتگویی اوسع از آن چه گذشت، را دارد.